

بررسی رابطه‌ی آزادسازی تجاری و درآمد مالیاتی در ایران

دکتر رضا اکبریان، علی قائدی و رضا وهام*

تاریخ وصول: ۸۶/۵/۳۱

تاریخ پذیرش: ۸۶/۹/۲

چکیده:

در این تحقیق رابطه‌ی آزادسازی تجاری و درآمد مالیاتی دولت با استفاده از روش خودتوضیح با وقفه‌های گسترده بررسی شده است. نتایج برآورد مدل طی دوره‌ی ۸۴-۱۳۴۵ نشان دهنده‌ی وجود اثر منفی آزادسازی تجاری بر درآمدهای مالیاتی دولت بوده است. برای جلوگیری از کاهش درآمدهای مالیاتی ناشی از آزادسازی تجاری، اجرای سیاست‌های خصوصی سازی در راستای افزایش بهره‌وری در کشور لازم است. بر اساس برخی از نتایج تحقیق، کاهش سیاست‌های حمایتی مانند معافیت‌های مالیاتی توصیه شده است.

طبقه بندی JEL: H_{21} , F_{13}

واژه‌های کلیدی: آزادسازی تجاری، درآمد مالیاتی، نسبت وابستگی، نرخ ارز، تولید ناخالص داخلی، نرخ تعرفه‌ی موثر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

* به ترتیب، استادیار و دانشجویان کارشناسی ارشد اقتصاد- دانشگاه شیراز

(rakbarian@rose.shirazu.ac.ir)

۱- مقدمه

همزمان با آزادسازی تجاری و در راستای همگرایی اقتصادی، اکثر کشورها به ویژه کشورهای در حال توسعه به دلیل مشکلات ساختاری اقتصادی، حداقل در کوتاه‌مدت با مشکلاتی روبه‌رو بوده‌اند. کسری حساب تجاری، بی‌عدالتی اقتصادی، فشار شدید رقابت و از بین رفتن قسمت اعظم بخش‌های مختلف تولیدی ناکارا ناشی از فشار رقابت خارجی، برخی از این مسائل است. این مشکلات باعث افزایش بیکاری و کسری بودجه‌ی دولت ناشی از کاهش درآمدهای گمرکی و تعرفه‌های کالاهای وارداتی و صادراتی شده است (مالک، ۱۳۸۲، ص ۶۸-۷۲). با وجود این مشکلات، گرایش‌های بسیار قوی در جهت آزادسازی تجاری وجود داشته است؛ زیرا در عمل اقتصادهای برون‌گرا نسبت به اقتصادهای درون‌گرا، نرخ رشد بالایی را تجربه کرده‌اند. از آنجا که آزادسازی تجاری پیش‌نیاز انتقال از یک اقتصاد نسبتاً بسته به یک اقتصاد نسبتاً باز است، در نتیجه برای بیشتر کشورها، آزادسازی پیش‌نیاز رشد اقتصادی است (گرچی و علیپوریان، ۱۳۸۵، ص ۱۸۸). به عبارتی دیگر، این کشورها با آزادسازی تجاری، از طریق برخورداری از منافع ایستا و پویای ناشی از تجارت از طریق تخصیص کارآمد منابع، تشدید رقابت، ارتقاء جریان دانش و سرمایه‌گذاری و نهایتاً رشد سریع انباشت سرمایه و پیشرفت فنی، جهش در رشد اقتصادی را تجربه کرده‌اند (ابریشمی و همکاران، ۱۳۸۵، ص ۹۷).

به هر حال، آزادسازی تجاری کانون توجه استراتژی‌های توسعه در بسیاری از کشورهای در حال توسعه بوده است. اما آزادسازی تجاری (که اغلب با کاهش یکسان سازی تعرفه و از میان برداشتن موانع غیرتعرفه‌ای همراه است)، کاهش درآمد مالیاتی در این کشورها را به دنبال داشته است؛ زیرا این کشورها به دلیل ویژگی‌های ساختاری در اقتصاد خود، قادر به تامین کاهش درآمدهای تعرفه‌ای از طریق مالیات‌های داخلی نبوده‌اند. به عبارتی دیگر، این کشورها به دلیل داشتن اقتصادهای سنتی و نداشتن تکنولوژی مدرن ایجادکننده ارزش افزوده زیاد، به طور قابل ملاحظه‌ای به مالیات بر تجارت و درآمدهای ناشی از صادرات مواد اولیه وابسته هستند، به طوری که با آزادسازی تجاری قادر به جایگزین کردن مالیات‌های داخلی به جای مالیات بر تجارت نیستند. از طرفی دیگر، کشورهای توسعه یافته (با درآمد سرانه‌ی بالا) با وابستگی کمتر به درآمدهای مالیات بر

تجارت، عمدتاً کاهش درآمدهای مالیاتی ناشی از آزادسازی تجاری را با مالیات‌های داخلی جبران کرده‌اند (خاتری و رائو،^۱ ۲۰۰۳).

در این تحقیق اثرات آزادسازی تجاری بر درآمد مالیات بر تجارت و کل درآمد مالیاتی کشور ایران به عنوان یک کشور در حال توسعه بررسی می‌شود. همچنین، اثر متغیرهایی مانند درآمد سرانه (به عنوان شاخص توسعه‌ی اقتصادی)، نسبت شهرنشینی، سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی، نسبت وابستگی^۲ (به عنوان متغیرهای نشان دهنده‌ی ساختار اقتصادی و اجتماعی) و نرخ ارز، نیز بر درآمد مالیاتی بررسی شده است. در ادامه‌ی مقاله‌ی حاضر پس از بررسی مطالعات صورت گرفته، مبانی نظری بررسی می‌شود و در ادامه به ساختار الگو و تخمین مدل با استفاده از داده‌های کشور طی دوره‌ی ۸۴-۱۳۴۵ پرداخته می‌شود و در پایان تجزیه و تحلیل نتایج تخمین ارائه می‌گردد.

۲- مروری بر مطالعات انجام شده

۲-۱- مطالعات خارجی

لوک^۳ (۲۰۰۱) اثر مالیاتی آزادسازی تجاری، با استفاده از جدول داده - ستاده و مدل تعادل عمومی قابل محاسبه،^۴ سناریوهای مختلفی از آزادسازی تجاری برای کشور سوریه شبیه‌سازی کرده است. بر اساس نتایج این تحقیق، تحت سناریوهای آزادسازی تجاری افراطی، کسری بودجه‌ی سوریه، به دلیل کاهش درآمدهای مالیاتی افزایش می‌یابد؛ ولی کاهش درآمدهای مالیاتی از طریق اصلاح سیستم‌های مالیاتی داخلی و استفاده از مالیات بر ارزش افزوده قابل جبران است. خاتری و رائو (۲۰۰۳) رابطه‌ی آزادسازی تجاری و درآمد مالیاتی را برای چهار گروه از کشورهای با درآمد سرانه‌ی کم، درآمد سرانه‌ی متوسط به پایین، درآمد سرانه‌ی متوسط به بالا و درآمد بالا، طی دوره‌ی ۸۰-۱۹۷۰ بررسی کردند. بر اساس نتایج این بررسی، در کشورهای در حال توسعه (دو گروه اول)، با آزادسازی تجاری، درآمد مالیات بر تجارت کاهش یافته است. همچنین، با توجه به ویژگی‌های ساختاری این کشورها در عدم اجازه‌ی جبران کاهش درآمد مالیات بر

^۱ Khattry and Rao

^۲ Age-dependency

^۳ Lucke

^۴ Computable general equilibrium (CGE)

تجارت با مالیات‌های داخلی، کل درآمد مالیاتی این کشورها نیز با آزادسازی تجاری کاهش یافته است.

ماجمدار^۵ (۲۰۰۴) در شرایط رقابت غیر کامل، روش‌های جبران کاهش درآمدهای گمرکی ناشی از کاهش تعرفه گمرکی بر روی کالاهای واسطه‌ای دولت بدون کاهش رفاه تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، را بعد از آزادسازی در مقایسه با قبل از آزادسازی بررسی کرده است. بر اساس نتایج این تحقیق، تنها در حالت وجود صنعت انحصاری، افزایش نرخ مالیات بر سود می‌تواند کاهش درآمد گمرکی دولت را جبران کند، بدون اینکه رفاه مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان کاهش یابد. همچنین، بر اساس برخی دیگر از نتایج این تحقیق، هر چه تعداد بنگاه‌های موجود در یک صنعت بیشتر باشد، احتمال رسیدن دولت به اهداف رفاهی و درآمدی خود با کاهش نرخ تعرفه‌های گمرکی و افزایش نرخ مالیات بر سود کمتر بوده است.

اگبیگب^۶ و همکاران (۲۰۰۶) رابطه‌ی بین تغییرات نرخ ارز، آزادسازی تجاری و درآمد مالیاتی را در ۲۲ کشور آفریقائی، طی دوره‌ی ۹۶-۱۹۸۰ بررسی کرده‌اند. بر اساس نتایج این بررسی، رابطه‌ی بین آزادسازی تجاری و درآمدهای مالیاتی دولت‌ها به نوع شاخص استفاده شده برای آزادسازی تجاری حساس بوده است. همچنین، بین آزادسازی تجاری و درآمد مالیاتی کل و درآمد مالیات بر تجارت و درآمد مالیات بر مصرف رابطه‌ی قوی وجود نداشته است. هرچند که بین آزادسازی تجاری و درآمد مالیات بر درآمد رابطه‌ی نسبتاً قوی وجود داشته است. رابطه‌ی بین نرخ ارز و تورم با انواع درآمدهای مالیاتی نیز منفی بوده است.

۲-۲- مطالعات داخلی

گرچی و علیپوریان (۱۳۸۵) اثر آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک^۷ را با استفاده از رگرسیون داده‌های ترکیبی^۸ بررسی کرده‌اند. بر اساس نتایج این تحقیق، آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی این کشورها تاثیر مثبت داشته است و محدودیت‌های تجاری موجب کند شدن آهنگ رشد اقتصادی آنان شده است. همچنین، به دلیل وابستگی این کشورها به صادرات نفت خام، با افزایش درآمدهای

^۵ Mujumdar

^۶ Agbeyegbe

^۷ OPEC

^۸ Panel Data

نفتی، واردات این کشورها افزایش داشته است. در نتیجه، تولید داخلی به دلیل غیر رقابتی بودن با کالاهای مشابه خارجی با مشکل روبه‌رو شده است. بنابراین، صادرات (با سهم عمده‌ی نفت خام) تاثیر منفی بر رشد اقتصادی آنان داشته است. ابریشمی و همکاران (۱۳۸۵) تاثیر آزادسازی تجاری بر صادرات و واردات برخی از کشورهای در حال توسعه‌ی منتخب، از جمله ایران را با استفاده از داده‌های ترکیبی بررسی کرده‌اند. بر اساس نتایج این تحقیق، صادرات با قیمت‌های نسبی رابطه‌ی منفی و با درآمد جهانی رابطه‌ی مثبت داشته است. همچنین، عوارض صادراتی اثر منفی بر رشد صادرات داشته است. از طرفی دیگر، کاهش تعرفه‌های وارداتی و آزادسازی تجاری اثر مثبت و معنی‌داری بر رشد واردات کشورهای در حال توسعه مانند ایران داشته است. تولید ناخالص داخلی اثر مثبت و قیمت‌های نسبی اثر منفی و معنی‌داری بر رشد واردات داشته است. در این تحقیق فرضیه‌ی افزایش کشش‌های درآمدی و قیمتی به واسطه‌ی آزادسازی تجاری تایید شده است.

فرازمند و زراءنژاد (۱۳۸۵) اثر کمی آزاد سازی تجارت خارجی بر عرضه‌ی صادرات بخش کشاورزی را بررسی کردند. در این تحقیق اثر کمی چسبندگی‌ها، موانع ساختاری و فنی، نرخ ارز و قیمت‌های نسبی بر عرضه‌ی صادرات میوه و خشکبار ایران طی دوره‌ی ۸۰-۱۳۴۲ بررسی شده است. بر اساس برخی از نتایج این تحقیق، بین کشش‌های کوتاه مدت و بلند مدت در این بخش تفاوت وجود داشته است.

۳- مبانی نظری

با گذشت بیش از یک دهه از آزادسازی تجاری هنوز از مالیات بر تجارت (مانع تعرفه‌ای) و دیگر موانع غیر تعرفه‌ای (همانند سهمیه بندی) برای تنظیم تجارت بین الملل به منظور افزایش درآمد دولت، حفاظت از صنایع داخلی، بهبود رابطه‌ی مبادله تجاری و بهبود توزیع درآمد استفاده می‌شود. یکی از مهمترین مسائل آزاد سازی تجاری، از بین رفتن بخش زیادی از درآمدهای مالیاتی دولت‌ها است؛ زیرا در بسیاری از کشورهای در حال توسعه مالیات بر تجارت هنوز یک منبع مهم درآمد دولت‌ها است که بعضاً این دولت‌ها دارای حجم بزرگ و هزینه‌های

زیادی هستند (کینا و لیگارتا،^۹ ۲۰۰۲، ص ۴۹۰). از طرفی دیگر، این کشورها بر اساس تئوری‌های رشد جدید، مجبور به پذیرش آزادسازی تجاری هستند؛ زیرا با آزادسازی تجاری رقابت در صنایع داخلی، به ویژه صنایع صادراتی افزایش می‌یابد و تکنولوژی خارجی نیز با ورود کالاهای خارجی، وارد می‌شود. از طرفی دیگر، مداخله‌های تجاری کارایی تخصیص منابع و رقابت را کاهش می‌دهد؛ عدم تعادل‌های اقتصاد کلان را تشدید می‌کند و در نهایت تاثیر پویا و ایستای تجارت بر روی رشد را از بین می‌برد (جین،^{۱۰} ۲۰۰۶). بنابراین، اختلالات ایجاد شده به وسیله مالیات بر تجارت بر دیگر فواید آن، از جمله تامین مالی مخارج دولت فزونی دارد. در صورتی که ملاحظات درآمدی باعث آزادسازی تجاری شود، ساختار مالیات داخلی باید به صورت کاهش اتکا به درآمدهای مالیات بر تجارت اصلاح شود. ولی در این راستا، برای کشورهای در حال توسعه و از جمله ایران، مشکلات و محدودیت‌هایی مانند محدودیت‌های ساختاری، محدودیت‌های نهادی، عملکرد متناقض سیستم‌های مالیاتی و هزینه‌های اخذ مالیات‌های داخلی را در پی دارد. در قسمت‌های بعد هر یک از این محدودیت‌ها شرح داده می‌شود.

۳-۱- محدودیت‌های ساختاری

کشورها همراه با رشد و توسعه به سمت صنعتی شدن و گسترش شهرنشینی در حرکت هستند. شهرنشینی با تمرکز فعالیت‌های اقتصادی در نواحی شهری صنعتی پایه‌های مالیاتی بزرگتری نسبت به فعالیت‌های روستایی و سنتی مبتنی بر کشاورزی، صنایع دستی و صادرات مواد اولیه ایجاد می‌کند؛ زیرا فعالیت‌های سنتی شامل کسب و کارهای با مقیاس‌های کوچک است و عمدتاً خود مصرفی (نه جای تولید تجاری) است. اگر این فعالیت‌ها دارای مازاد نیز باشند، اغلب به دلیل بهره‌وری پایین، معاف از مالیات هستند. از طرفی دیگر، در کشورهای در حال توسعه، به دلیل زیاد بودن نسبت وابستگی (نسبت جمعیت غیر فعال به جمعیت فعال) پایه‌های مالیات بر درآمد کوچکتری نسبت به اقتصادهای پیشرفته وجود دارد. این ویژگی‌ها، وابستگی کشورهای در حال توسعه به تجارت مواد اولیه و مالیات بر تجارت را در پی خواهد داشت.

^۹ Keena and Ligtharta

^{۱۰} Jin

۳-۲- محدودیت‌های نهادی

عوامل نهادی نقش مهمی در وصول درآمدهای مالیاتی دارند، ولی با توجه به مدیریت‌ها و سیستم‌های مالیاتی قدیمی و منسوخ نهادهای وصول‌کننده‌ی مالیات در کشورهای در حال توسعه، ارزیابی و برآورد تعهدات مالیاتی و نهایتاً وصول مالیات مشکل است. علاوه بر آن، زمینه‌ی ایجاد فساد در نهادهای وصول‌کننده‌ی مالیات و فرار مالیاتی مودیان مالیاتی نیز وجود دارد. با توجه به سهولت برآورد و اجرای مالیات بر تجارت به خاطر کنترل‌های آسان ورود و خروج کالا، اکثر این کشورها برای تامین مالی هزینه‌های دولت به مالیات بر تجارت روی می‌آورند. محدودیت‌های نهادی تلاش برای گسترش پایه‌های مالیات داخلی را خنثی می‌سازد.

۳-۳- عملکرد متناقض سیستم‌های مالیاتی

بسیاری از کشورهای در حال توسعه سعی در افزایش مالیات کالاها و خدمات داخلی از طریق مالیات بر فروش، مالیات بر ارزش افزوده و افزایش مالیات غیر مستقیم داشتند. در عمل، به دلیل فرار مالیاتی پرداخت‌کنندگان و تولید کنندگان داخلی، مالیات‌های فروش بر کالاهای وارداتی درصد بیشتری را تشکیل می‌دهند.

۳-۴- هزینه‌ی زیاد اخذ مالیات‌های داخلی

مطابق با آمار بانک جهانی (۱۹۸۸) هزینه‌های مدیریتی عوارض گمرکی و غیر مستقیم ۱ تا ۳ درصد از درآمدهای اخذ شده است؛ در حالی که هزینه‌ی مالیات بر ارزش افزوده^{۱۱} حدود ۵ درصد و هزینه‌ی مالیات بر درآمد شخصی ۱۰ درصد است.

رابطه‌ی آزادسازی تجاری و درآمد مالیاتی، در مرحله‌ی اول، به عواملی مانند نحوه‌ی آزادسازی تجاری و عکس‌العمل صادرات و واردات به آزادسازی وابسته است. قدم اول در آزادسازی تجاری، اغلب جایگزین کردن موانع مقداری با تعرفه‌های گمرکی واردات است. این عامل با توجه به مقدار تعرفه وضع شده و تغییرات در حجم واردات، اغلب افزایش درآمد مالیات بر تجارت را به همراه دارد. در نهایت، آزادسازی تجاری که همراه با کاهش تعرفه‌های گمرکی است، احتمالاً

^{۱۱} Value Added Tax (VAT)

کاهش درآمد مالیات بر تجارت خارجی را در پی خواهد داشت. ولی رابطه‌ی آزادسازی تجاری و کل درآمد مالیاتی به عواملی مانند سیستم مالیاتی، ظرفیت‌های مدیریتی و توانمندی‌ها و ساختار اقتصادی و اجتماعی بستگی دارد. متغیرهایی همچون درآمد سرانه و نرخ ارز که متاثر از سیاست‌های پولی و مالی سیاستگذاری اقتصادی است، نیز می‌توانند همراه با آزادسازی تجاری بر درآمدهای مالیاتی تاثیرگذار باشند (اگبیگ و همکاران، ۲۰۰۶، صص ۲۶۲-۲۶۱).

۴- بررسی اثر آزاد سازی تجاری بر مالیات

۴-۱- آزادسازی تجاری و مالیات بر تجارت

اثر آزادسازی تجاری بر درآمد مالیات بر تجارت به ساختار آزادسازی وابسته است. به طور معمول، آزادسازی تجاری در قدم اول با حذف موانع مقداری و جایگزین کردن تعرفه‌ها به جای موانع غیر تعرفه‌ای اجرا می‌شود. این نوع آزادسازی با توجه به مقدار تعرفه وضع شده و عکس العمل تجارت خارجی کشور به تعرفه‌های وضع شده، اثر مثبت کوچک یا حتی بزرگی بر درآمد مالیات بر تجارت دارد. آزادسازی در شکل نهایی خود با کاهش عوارض و تعرفه‌ها بر تجارت همراه است. اثر کاهش تعرفه بر درآمد مالیات بر تجارت، به مقدار کاهش تعرفه و عکس العمل صادرات و واردات به کاهش تعرفه‌ها، بستگی دارد. به عبارتی دیگر، با توجه به تغییر در قیمت نسبی کالاهای صادراتی و وارداتی به دلیل کاهش در تعرفه‌ها، درآمد مالیاتی به کسش قیمتی تقاضای صادرات و واردات و همچنین کسش قیمتی عرضه‌ی جانشین‌های وارداتی بستگی دارد. در صورت کم بودن کسش قیمتی صادرات یا واردات، با کاهش تعرفه‌ها انتظار کاهش درآمدهای مالیاتی حاصل از تجارت وجود دارد. در غیر این صورت، درآمد مالیات بر تجارت قابل افزایش است (اگبیگ و همکاران، ۲۰۰۶). در کشورهای متمرکز بر سیاست‌های محدودیت تجاری شدید نظیر استراتژی جانشینی واردات، نرخ تعرفه‌ها بالاتر از نرخ حداکثر کننده‌ی درآمدهای مالیاتی دولت ناشی از تجارت است. در نتیجه، با آزادسازی تجاری رشد واردات و درآمدهای مالیات بر تجارت افزایش خواهد داشت (ابریشمی و همکاران، ۱۳۸۵، صص ۱۲۲).

از دیدگاه دیگر مطابق با منحنی لافر،^{۱۲} اگر نرخ تعرفه‌ی اولیه زیاد باشد، کاهش تعرفه‌ها الزاماً درآمدهای مالیاتی را با افزایش واردات و کاهش انگیزه برای فرار مالیاتی و کاهش قاچاق کالا از خارج به داخل افزایش می‌دهد. اگر نرخ تعرفه کمتر از نرخ حداکثر کننده‌ی درآمد مالیاتی باشد، درآمد تعرفه‌ای کاهش می‌یابد (خاتری و رائو، ۲۰۰۳، ص ۱۴۳۴).

۴-۲- نرخ ارز و درآمد مالیاتی

اصلاحات تجاری، اغلب همراه با افزایش نرخ ارز واقعی صورت می‌گیرد. با افزایش نرخ ارز، در صورت عدم تغییر حجم صادرات و واردات، ارزش واردات به پول داخلی افزایش می‌یابد و دریافتی‌های گمرکی را افزایش می‌دهد. ولی تقاضای واردات به کشش قیمتی تقاضای واردات وابسته است. با توجه به کم بودن کشش قیمتی تقاضای واردات در کوتاه مدت، درآمدهای گمرکی کاهش نمی‌یابد. از طرفی دیگر، حجم صادرات با افزایش ارزش نرخ ارز افزایش می‌یابد. افزایش ارزش صادرات، در صورت وجود تعرفه‌های گمرکی کالاهای صادراتی، افزایش درآمد گمرکی را در پی خواهد داشت (خاتری و رائو، ۲۰۰۳، ص ۱۴۳۴). هر چند تقاضای قیمتی واردات به طور نسبی کشش ناپذیر یا کم کشش است، ولی در اکثر کشورهای در حال توسعه، با توجه به وضع مالیات بر واردات کالاهای مصرفی نهائی و حمایت از تولید داخلی، کشش پذیری تقاضا بیشتر است. در نتیجه، با افزایش ارزش واقعی نرخ ارز، به دلیل گرانت شدن این کالاها، کشش قیمتی آنها افزایش می‌یابد. این امر موجب حرکت مصرف داخلی به سمت کالاهای تولید داخل و غیر قابل تجارت یا گرایش به سوی کالاهایی با نرخ تعرفه کمتر و کاهش درآمد مالیات بر تجارت می‌شود.

۴-۳- آزادسازی تجاری و مالیات بر کالاها و خدمات

سهم بزرگی از درآمدهای مالیاتی، مالیات بر کالاها و خدمات است. این کالاها شامل کالاهای قابل تجارت، از جمله کالاهای وارداتی و کالاهای غیر قابل تجارت با فرض جانشینی کامل کالاهای تولید شده در کشور است. با آزاد سازی تجاری و در نتیجه کاهش تعرفه‌ها، قیمت‌های داخلی کالاها کاهش می‌یابد. در این

¹² Lafer Curve

حالت، دولت قادر به جبران کاهش درآمدهای مالیاتی با اصلاح مالیات غیر مستقیم بر کالاها و خدمات است. وصول مالیات کالاها و خدمات از نظر اجرائی سخت‌تر از وصول مالیات بر تجارت است. همچنین، همواره علاوه بر کالاهای قابل تجارت، کالاهای غیر قابل تجارت نیز در اقتصاد وجود دارد. با کاهش نرخ‌های تعرفه، مصرف‌کنندگان با توجه به کاهش نسبی قیمت کالاهای وارداتی، به تغییر مصرف از کالاهای غیر قابل تجارت داخلی به کالاهای وارداتی روی می‌آورند. این امر، کاهش درآمد ناشی از مالیات کالاها را افزایش می‌دهد و افزایش درآمد ناشی از مالیات کالاها وارداتی را در پی خواهد داشت. در نتیجه، تغییرات خالص در درآمد مالیاتی کالاها و خدمات با آزادسازی تجاری قابل پیش بینی نیست (کینا و لیگارتا، ۲۰۰۲، ص ۴۹۳۹). ولی در بلندمدت، رشد اقتصادی به دلیل آزادسازی تجاری قابل افزایش است. بنابراین، پایه‌های مالیاتی برای وصول مالیات بر کالا و خدمات را می‌توان بسط داد (اگبیگب و همکاران، ۲۰۰۶).

۴-۵- نرخ ارز و مالیات بر کالاها و خدمات

با افزایش نرخ ارز واقعی قیمت نسبی کالاهای قابل تجارت افزایش می‌یابد. در نتیجه، درآمدهای مالیاتی ناشی از مالیات کالاها را غیر قابل تجارت، با توجه به مصرف بیشتر آنها در داخل کشور (به دلیل کاهش قیمت نسبی آنها) افزایش می‌یابد. در این حالت، به طور همزمان درآمد مالیات بر تجارت کالاها و خدمات قابل تجارت کم می‌شود (خاتری و راثو، ۲۰۰۳، ص ۱۴۳۴).

۴-۶- آزادسازی تجاری و مالیات بر درآمد و سود

در کشورهای در حال توسعه، مالیات بر درآمد و سود، به دلیل ظرفیت‌های اجرایی محدود، فقط از تولیدکنندگان بزرگ و کارگران و کارمندان بخش عمومی شرکت‌های بزرگ اخذ می‌شود. مالیات بر درآمد و سود عموماً با افزایش رونق و رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. از این رو، برای بررسی اثر آزادسازی بر مالیات بر درآمد و سود، می‌توان اثر آزادسازی تجاری بر رونق و رشد اقتصادی را بررسی کرد. اغلب نظرات مطرح در مورد اثر تجارت بر رشد اقتصادی نشان دهنده‌ی اثر مثبت تجارت بر رشد اقتصادی است (جین، ۲۰۰۶).

اثر آزادسازی تجاری بر مالیات بر درآمد و سود به مثبت یا منفی بودن اثر آزادسازی بر رشد اقتصادی وابسته است. تجربه‌ی کشورهای آسیای شرقی در مورد سیاست تشویق صادرات نسبت به کشورهای برقرار کننده‌ی استراتژی جان‌شینی واردات، حاکی از اثر مثبت آزاد سازی تجاری بر روی رشد اقتصادی است (گرچی و علیپوریان، ۱۳۸۵، ص ۱۸۹). ولی نکته‌ی مورد توجه، در افزایش واردات کالاهای قابل تجارت در کوتاه‌مدت با آزادسازی تجاری است. در نتیجه، بنگاه‌ها و کارگران تولید کننده‌ی این کالاها با کاهش سود و دستمزد روبه‌رو می‌شوند و مالیات بر سود و درآمد کاهش می‌یابد. از طرفی دیگر، بنگاه‌ها و کارگرانی که کالاهای غیر قابل تجارت تولید می‌کنند، به دلیل بیشتر بودن قیمت نسبی این کالاها، با افزایش سود و درآمد روبه‌رو می‌شوند. این امر موجب افزایش مالیات بر درآمد و سود می‌شود (خاتری و راثو، ۲۰۰۳، ص ۱۴۳۴).

۴-۷- نرخ ارز و مالیات بر درآمد و سود

افزایش نرخ ارز واقعی باعث افزایش قیمت کالاهای مصرفی نهایی، کاهش نرخ بهره‌ی حقیقی و افزایش سود کارخانه‌ها و مالیات بر سود می‌شود. با افزایش نرخ ارز واقعی، تولید کالاهای تولیدی با استفاده از نهاده‌ها و کالاهای سرمایه‌ای خارجی نیز افزایش می‌یابد. در نتیجه، سرمایه‌گذاری‌های جدید و سود بنگاه‌های موجود استفاده‌کننده از این نهاده‌ها و کالاها و در نتیجه مالیات بر سود شرکت‌ها کاهش می‌یابد. همچنین، با افزایش نرخ ارز واقعی، دستمزدها در واکنش نسبت به افزایش قیمت‌ها، افزایش می‌یابد و با توجه به چگونگی تغییر جدول مالیات بر دستمزد یا درآمد اشخاص، درآمد ناشی از مالیات بر درآمد، کاهش یا افزایش خواهد یافت (اگبیب و همکاران، ۲۰۰۶، صص ۸-۲۶۷). بنابراین، اثر تغییر در نرخ ارز و آزادسازی، بر درآمد مالیاتی نامشخص و در شرایط مختلف، متفاوت است.

۵- بررسی ارتباط سایر متغیرها و درآمد مالیاتی

سایر متغیرهای اثر گذار بر درآمد مالیاتی شامل تولید سرانه، سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی، نسبت شهر نشینی و نسبت وابستگی است.

۵-۱- تولید سرانه و درآمد مالیاتی

با فرض پذیرش ارتباط مثبت بین آزادسازی تجاری (کاهش تعرفه‌ها) و رشد اقتصادی (رشد تولید سرانه) انتظار یک رابطه‌ی منفی بین تولید سرانه و درآمد مالیات بر تجارت وجود خواهد داشت. مصرف و واردات تابعی از درآمد افراد است. افزایش درآمد موجب افزایش مصرف، واردات، مالیات بر واردات و مالیات بر کالاها و خدمات می‌شود. از طرفی دیگر، با توجه به افزایش تولید ملی و افزایش بازدهی و سود بالای بنگاه‌های اقتصادی، در نتیجه مالیات بر درآمد و سود شرکت‌ها نیز افزایش خواهد یافت.

۵-۲- سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی

بالا بودن سهم بخش کشاورزی در یک اقتصاد، نشان دهنده‌ی ساختار سنتی اقتصاد است. اقتصادهای دارای ساختار سنتی، عمدتاً دارای کسب و کار با مقیاس کوچک و با بهره‌وری و سود پایین هستند. در اکثر کشورها، از جمله ایران، به دلیل سیاست‌های حمایتی، از این کسب و کارها مالیاتی اخذ نمی‌شود، در نتیجه، بالا بودن سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی کاهش درآمد مالیاتی را در پی خواهد داشت (لوکی، ۲۰۰۱). حتی اگر بالا بودن سهم بخش کشاورزی نشان دهنده‌ی ساختار سنتی اقتصاد نباشد، به این دلیل که در یک اقتصاد مبتنی بر ساختار سنتی بخش عمده‌ای از کالاهای مصرفی نهایی از طریق واردات تامین می‌شود، در نتیجه باید بین سهم بخش کشاورزی و درآمد مالیات بر تجارت رابطه‌ی مثبت وجود داشته باشد.

۵-۳- نسبت شهرنشینی

هر چند بالا بودن سهم بخش کشاورزی نشان دهنده‌ی ساختار سنتی است، بالا بودن نسبت شهرنشینی نشان دهنده‌ی ساختار اقتصادی پیشرفته و مبتنی بر بخش صنعت است. به دلیل استفاده از افراد آموزش دیده و تکنولوژی پیشرفته در تولید، بهره‌وری در اقتصاد پیشرفته نسبت به اقتصاد سنتی بالاتر است و در نتیجه تولید، سود و دستمزدها نیز بالاتر است. این برتری موجب افزایش درآمدهای مالیاتی مستقیم و غیر مستقیم داخلی می‌شود. از طرفی دیگر، از آنجا که در یک اقتصاد با ساختار پیشرفته توان رقابت با سایر اقتصادهای خارجی وجود دارد،

سیاست‌های حمایتی محدودتر است. در نتیجه انتظار می‌رود که سهم درآمد مالیات بر تجارت در تولید داخلی با افزایش نسبت شهرنشینی کاهش یابد.

۵-۴- نسبت وابستگی

بالا بودن نسبت وابستگی، از یک طرف، کم شدن پایه‌ی مالیات بر درآمد دولت به نسبت کل جمعیت را در پی دارد و از طرفی دیگر، بالا بودن جمعیت غیر فعال، به کاهش پس‌انداز خانواده‌ها منجر می‌شود و در نتیجه، در بلندمدت موجب کاهش در سرمایه‌گذاری، تولید، سود، اشتغال و درآمد مالیاتی دولت می‌شود (دریهر، ۱۳، ۲۰۰۶، ص ۱۸۶).

۶- ساختار الگو

در این مقاله، برای بررسی رابطه‌ی اثر آزادسازی تجاری بر درآمد مالیات بر تجارت و کل درآمد مالیاتی به ترتیب از الگوهای زیر استفاده می‌شود.

$$TT = \alpha_0 + \alpha_1 tt + \alpha_2 ER + \alpha_3 \ln pcGDP + \alpha_4 AGR + \alpha_5 URB + \alpha_6 DEP \quad (1)$$

$$TR = \beta_0 + \beta_1 tt + \beta_2 ER + \beta_3 \ln pcGDP + \beta_4 AGR + \beta_5 URB + \beta_6 DEP \quad (2)$$

در رابطه‌های فوق، TT نشانگر سهم درآمد مالیات بر تجارت در درآمد ملی، TR سهم کل درآمد مالیاتی در درآمد ملی، tt شاخص آزادسازی تجاری، ER نرخ ارز مؤثر واقعی، $\ln pcGDP$ لگاریتم درآمد ملی سرانه، AGR سهم بخش کشاورزی در درآمد ملی، URB درجه‌ی شهرنشینی و DEP نسبت وابستگی است.

سهم تجارت خارجی (صادرات و واردات) در تولید ناخالص داخلی یکی از مهمترین شاخص‌های آزادسازی تجاری است. سهم بزرگتر از تجارت بین‌الملل در تولید ناخالص داخلی، دلالت بر آزادسازی تجاری بیشتر دارد. نسبت مالیات بر صادرات به ارزش صادرات یا نسبت مالیات بر واردات به ارزش واردات نیز یکی دیگر از شاخص‌های آزادسازی تجاری است. کوچکتر شدن هر یک از این دو نسبت

نشانه‌ی آزادسازی تجاری است. از نرخ تعرفه‌ی مؤثر مالیات بر تجارت به عنوان شاخص دیگر آزاد سازی تجاری نام برده شده است. این نرخ برابر با نسبت مالیات بر تجارت (واردات و صادرات) به ارزش صادرات به علاوه‌ی واردات است. بین نرخ تعرفه‌ی مؤثر و آزادسازی تجاری رابطه‌ی معکوس وجود دارد. در این تحقیق از نرخ تعرفه‌ی مؤثر به عنوان شاخص آزادسازی تجاری استفاده شده است.

به این دلیل که نرخ‌های بالای مالیات بر تجارت، کاهش درآمد مالیات بر تجارت را در پی دارد، یک رابطه‌ی غیر خطی ارتباط بین نرخ مؤثر مالیات بر تجارت و درآمد مالیات را بهتر شرح می‌دهد. از این‌رو، از یک معادله‌ی فرم درجه‌ی دوم برای تخمین اثرات آزادسازی تجاری بر مالیات بر تجارت استفاده شده است. با توجه به رابطه‌ی ذکر شده، نرخ تعرفه‌ی ماکزیمم کننده‌ی مالیات بر تجارت به صورت زیر است (خاتری و راثو، ۲۰۰۳).

$$\alpha_1 + 2\alpha_2 tt = 0 \quad (3)$$

$$tt = \frac{\alpha_1}{2\alpha_2}$$

در رابطه‌ی فوق، tt نشانگر شاخص آزاد سازی تجاری، α_1 ضریب شاخص آزاد سازی تجاری و α_2 ضریب توان دوم شاخص آزاد سازی تجاری است.

۷- برآورد الگو

۷-۱- آزمون پایایی متغیرها

در جدول (۱) آزمون پایایی متغیرها بر اساس آزمون دیک‌ی و فولر (۱۹۸۱) نشان داده شده است. بر اساس نتایج این آزمون، سری‌های زمانی مورد استفاده در مدل دارای ویژگی $I(1)$ و $I(0)$ است. بر اساس تحقیقات گرنجر و نیوبالد^{۱۴} (۱۹۷۴) استفاده از روش حداقل مربعات معمولی (OLS) بین متغیرهای غیر پایا با نتایج همراه کننده همراه است (تشکینی، ۱۳۸۴، صص ۱۴۶-۱۴۵)؛ زیرا آزمون‌های t و F از اعتبار لازم برخوردار نیستند. در این تحقیقات الگوهای خود بازگشت با وقفه‌های توزیعی^{۱۵} و روش حداقل مربعات بین تفاضل مرتبه‌ی اول یا بیشتر متغیرهای غیر پایا پیشنهاد شده است. بر اساس مطالعات پسران و شین^{۱۶}

¹⁴ Granger and Newbold

¹³ Auto Regressive Distributed Lag (ARDL)

¹⁶ Pesaran and shin

(۱۹۹۵)، بردار هم‌جمع‌ی مبتنی بر روش حداقل مربعات رابطه‌ی خود برگشت با وقفه‌های توزیعی، علاوه بر نرمال بودن توزیع برآوردگر حداقل مربعات، در نمونه‌های کوچک نیز از اریب کمتر و کارایی بیشتری بر خوردار خواهد بود (تشکینی، ۱۳۸۴، صص ۱۴۶-۱۴۵).

جدول ۱: نتایج آزمون پایداری متغیرها بر اساس آزمون دیکی- فولر

نام متغیر	بدون عرض از مبدأ و بدون روند		با عرض از مبدأ و بدون روند		بدون عرض از مبدأ و بدون روند		نتیجه
	آماره	سطح معنی داری %۵	آماره	سطح معنی داری %۵	آماره	سطح معنی داری %۵	
AGR	-۱/۴۷	-۲/۹۵	-۰/۷۶	-۳/۵۵	۸۷	-۱/۹۵	I(۱)
DEP	-۱/۸۶	-۲/۹۵	-۴/۵۳	-۳/۵۵	-۱/۳۱	-۱/۹۵	I(۱)
ER	-۱/۳۳	-۲/۹۵	-۲/۸۳	-۳/۵۵	-۰/۷۸	-۱/۹۵	I(۱)
Lnpc GDP	-۰/۹۴	-۲/۹۵	-۱/۸۶	-۳/۵۷	۱۰	-۱/۹۵	I(۱)
TR	۴/۶۲	-۲/۹۵	۳/۴۷	-۳/۵۵	۴/۶۱	-۱/۹۵	I(۱)
TT	۲/۳	-۲/۹۵	۲/۴۶	-۳/۵۵	۱/۵۸	-۱/۹۵	I(۱)
tt	-۲/۷	-۲/۹۵	-۶/۰۰	-۳/۵۵	۴۰	-۱/۹۵	I(۰)
tt ^x	-۱۲/۸۱	-۲/۹۵	-۱۱/۲۱	-۳/۵۵	-۱۲/۱	-۱/۹۵	I(۰)
URB	-۱/۶۱	-۲/۹۵	-۱/۹۹	-۳/۵۵	-۰/۳۲	-۱/۹۵	I(۱)

ماخذ: نتایج آزمون

یک الگوی خود بازگشت با وقفه‌های توزیعی به صورت زیر است.

$$Q(L, p)Y_t = \sum_{i=1}^k \beta_i(L, q_i)X_{it} + \delta W_t + \varepsilon_t \quad (۴)$$

$$Q(L, p) = 1 - Q_L L - Q_L^x L^x - \dots - Q_p L^p \quad (۵)$$

$$\beta_i(L, q_i) = 1 - \beta_{i1} - \beta_{i2} L^x - \dots - \beta_{in} L^{q_i} \quad (۶)$$

در رابطه‌ی فوق L نشانگر عملگر وقفه‌ی تأخیر زمانی مرتبه‌ی اول $(LX_t = X_{t-1})$ است. Y_t متغیر وابسته، X_{it} بردار متغیرهای توضیحی، q_1, q_2, \dots, q_i تعداد وقفه‌های بهینه‌ی هر یک از متغیرهای توضیحی، P تعداد وقفه بهینه متغیر وابسته‌ی و W برداری از متغیرهای قطعی (غیر تصادفی) نظیر عرض از مبدأ، متغیر روند، متغیرهای مجازی و متغیرهای برونزا با وقفه‌های ثابت است. این مدل با استفاده از نرم افزار *Microfit 4* برآورد شده است.

بردار متغیرهای توضیحی X_t برای روابط (۱) و (۲) به ترتیب به صورت زیر است.

$$X'_t = [ER, \ln PCGDP, AGR, URB, DEP, tt, tt^2] \quad (۷)$$

$$X'_t = [ER, \ln PCGDP, AGR, URB, DEP, tt] \quad (۸)$$

همچنین، مدل پویای کوتاه‌مدت برای روابط (۱) و (۲) به صورت زیر تصریح و برآورد شده است.

$$Q(L, p)P = a + \sum_{i=1}^k \beta_i (L, q_i) X_{it} + \delta W_{it} + \varepsilon_{it} \quad (۹)$$

در این تحقیق، W فقط شامل عرض از مبدا است.

آزمون‌های تشخیصی با استفاده از آزمون ضریب لاگرانژ (LM) حاکی از نبود مشکل خود همبستگی بین اجزای اخلاص در هر دو مدل در سطح خطای ۵ درصد است. فرم تابعی مدل به خوبی تصریح شده است. توزیع اجزای اخلاص نرمال است. مشکل واریانس ناهمسانی وجود ندارد. تنها فرضیه‌ی صحیح بودن فرم تابعی مدل دوم در سطح خطای ۱۰ درصد پذیرفته شده است. ضریب تعیین برای مدل اول ۹۹ درصد و برای مدل دوم ۹۷ درصد بوده است.

۷-۲- تخمین مدل بلند مدت

آزمون کوچکتر از یک بودن مجموع ضرائب متغیرهای با وقفه‌ی مربوط به متغیر وابسته نشان دهنده‌ی گرایش الگوی پویا به سمت الگوی تعادلی بلند مدت است. به عبارتی دیگر، برای هر دو مدل، رابطه‌ی تعادلی بلندمدت بین متغیرها وجود داشته است.

۷-۲-۱- نتایج تخمین بلند مدت مدل (۱)

نتایج تخمین بلندمدت مدل (۱) در جدول (۲) ارائه می‌شود.

جدول ۲: نتایج تخمین بلند مدت مدل (۱)

متغیر وابسته: TT			
متغیرها	ضرایب	خطای معیار	آماره T
AGR	۰/۳۱	۰/۰۶۹۵۴۶۵	-۳/۰۲۵(۰/۰۰۶)
DEP	۰/۰۲۵	۰/۰۱۲۲۱۵۲	۲/۱۰۵(۰/۰۱۲)
URB	۰/۰۱۲	۰/۰۰۶۴۸۴۸	۱/۸۶۲(۰/۰۷۵۰)
ER	-۰/۰۲	۰/۰۴۵۱۱	-۲/۶۶۰(۰/۰۱۴)
$INPCGDP$	۰/۰۰۰۳	۰/۰۰۰۲۳۳۳	-۱/۷۰۳(۱۰۰۳)
tt	۰/۲۸۷	۰/۰۴۵۳۹۵۰	۶/۳۲۵(۰/۰۰۰)
tt^2	-۱/۳۶۶	۰/۱۳۰۰۷۰۰	-۱۰/۵۰۷(۰/۰۰۰)

ماخذ: نتایج تحقیق

نتایج تخمین نشانگر مثبت بودن اثر سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی بر درآمد مالیات بر تجارت (TT) است. به عبارتی دیگر، با افزایش یک واحدی سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی، سهم درآمد مالیات بر تجارت در تولید ناخالص داخلی ۰/۲۱ واحد، قابل افزایش است.

رابطه‌ی نسبت وابستگی و سهم درآمد مالیات بر تجارت دولت، معنی‌دار و مثبت است. بالا رفتن نسبت وابستگی، کاهش قدرت تولید داخلی و افزایش واردات را در پی دارد و مالیات بر واردات را افزایش می‌دهد.

رابطه‌ی نسبت شهرنشینی و سهم درآمد مالیات بر تجارت در تولید ناخالص داخلی مثبت و ضعیف است. به عبارتی دیگر، به ازای هر یک واحد افزایش در نسبت شهرنشینی، سهم درآمد مالیات بر تجارت دولت به میزان ۰/۰۱۲ واحد قابل افزایش است. در واقع، بین رشد شهرنشینی و ساختار اقتصادی پیشرفته و رقابت‌پذیر در ایران رابطه‌ی مثبتی وجود ندارد و با افزایش نسبت شهرنشینی سیاست‌های حمایتی دولت از بخش‌های اقتصادی داخلی در مقابل اقتصادهای خارجی کاهش نیافته است.

رابطه‌ی نرخ ارز و درآمد مالیات بر تجارت منفی است و با یک واحد افزایش در نرخ ارز واقعی، سهم درآمد مالیات بر تجارت در تولید ناخالص داخلی به میزان ۰/۰۲ واحد کاهش می‌یابد. یعنی با افزایش ارزش نرخ ارز واقعی، به دلیل گرانتر

شدن کالاهای وارداتی، کشش قیمتی آنها افزایش می‌یابد. در نتیجه، مصرف داخلی به سمت کالاهای تولید داخل و غیر قابل تجارت یا حداقل کالاهایی که نرخ تعرفه‌ی کمتری بر روی آنها وضع شده است، حرکت می‌کند و باعث کاهش درآمد مالیات بر تجارت می‌شود.

اثر تولید ناخالص داخلی سرانه بر روی درآمد مالیات بر تجارت غیر معنی‌دار و در عین حال مثبت است و نشان‌دهنده‌ی این است که با افزایش درآمد، مصرف و واردات افزایش می‌یابد و این باعث افزایش مالیات بر واردات می‌شود.

همان گونه که مشاهده می‌شود، رابطه‌ی بین نرخ تعرفه‌ی مؤثر (tt) و مالیات بر تجارت معنی‌دار و مثبت است. با توجه به رابطه‌ی عکس آزادسازی تجاری و نرخ تعرفه‌ی مؤثر، می‌توان نتیجه گرفت که اثر آزادسازی تجاری بر روی درآمد مالیات بر تجارت منفی است؛ یعنی با یک واحد کاهش در نرخ تعرفه، درآمد مالیات بر تجارت دولت $0/28$ واحد کاهش می‌یابد. این نتیجه نشان‌دهنده‌ی کشش کم تقاضای واردات نسبت به قیمت است؛ زیرا در این حالت با کاهش تعرفه‌ها انتظار کاهش درآمدهای مالیاتی حاصل از تجارت وجود دارد.

همچنین، نتایج تخمین بلندمدت نشان می‌دهد که نرخ تعرفه‌ی مؤثر حداکثر کننده‌ی مالیات بر تجارت، 10 درصد است. با مقایسه‌ی این نرخ با نرخ تعرفه‌ی مؤثر در طول دوره‌ی مورد بررسی، می‌توان نتیجه گرفت که نرخ تعرفه‌ی مؤثر همواره از نرخ تعرفه‌ی مؤثر حداکثر کننده بیشتر است؛ یعنی کاهش در نرخ تعرفه، درآمد مالیات بر تجارت را افزایش می‌دهد.

۷-۲-۲- نتایج تخمین بلند مدت مدل (۲)

بر اساس نتایج مندرج در جدول (۳)، بین سهم بخش کشاورزی در تولید داخلی و سهم کل درآمد مالیاتی در تولید ملی رابطه‌ی معنی‌دار و منفی وجود دارد. اثر نسبت وابستگی بر روی سهم کل درآمد مالیاتی غیر معنی‌دار (در سطح خطای 10 درصد) و مطابق با انتظار، منفی است. به ازای هر یک واحد کاهش در جمعیت در سن وابستگی، سهم کل درآمد مالیاتی در تولید داخلی $0/32$ واحد افزایش می‌یابد.

نتایج تخمین بلند مدت مدل (۲) در جدول (۳) ارائه می‌شود.

جدول ۳: نتایج تخمین بلند مدت مدل (۲)

متغیر وابسته: <i>TR</i>			
متغیر	ضرایب	خطای معیار	آماره <i>t</i>
<i>AGR</i>	-۰/۵۶۱۹۴۰	۰/۰۸۳۲۵۰	۶/۷۵۰۰۰۰ (۰/۰۰۰)
<i>DEP</i>	-۰/۳۲۴۵۰۰	۰/۲۰۰۱۸۵	-۱/۶۲۱۰۰ (۰/۱۱۲)
<i>URB</i>	-۰/۰۲۸۴۹۶	۰/۰۱۱۰۴۷	-۲/۵۷۹۵۰ (۰/۰۱۶)
<i>ER</i>	-۰/۸۵۸۷۸۰	۰/۲۸۸۴۸۱	-۲/۹۷۶۹ (۰/۰۰۷)
<i>INPCGDP</i>	۰/۰۷۷۷۴۰	۰/۰۲۴۷۶۷	۳/۱۳۸۸۰۰ (۰/۰۰۴)
<i>tt</i>	۱/۹۴۲۱۰۰	۰/۷۹۴۸۰۳	۲/۴۴۳۵۰۰ (۰/۰۲۲)

ماخذ: نتایج تحقیق

نسبت شهرنشینی در ایران و سهم درآمد مالیاتی در تولید داخلی رابطه‌ی معنی‌دار و منفی دارند، به طوری که با افزایش یک واحدی نسبت شهرنشینی، سهم درآمد مالیاتی در تولید داخلی به مقدار ۰/۲۸ واحد کاهش می‌یابد؛ یعنی بین رشد شهرنشینی و ساختار اقتصادی پیشرفته در ایران که توان پرداخت مالیات زیادی داشته باشد، رابطه‌ی مثبتی وجود ندارد.

رابطه‌ی نرخ ارز و سهم درآمد مالیاتی در تولید ملی معنی‌دار است و به ازای هر یک واحد افزایش در نرخ ارز موثر واقعی، سهم درآمد مالیاتی ۰/۸۵ واحد کاهش می‌یابد.

ضریب لگاریتم تولید ناخالص داخلی سرانه معنی‌دار، مثبت و کوچک است، به طوری که به ازاء هر یک درصد افزایش در لگاریتم تولید داخلی سرانه، سهم درآمد مالیاتی کل تنها ۰/۰۷۷ درصد افزایش می‌یابد. دلیل این امر، رشد تولید داخلی در بخش‌های با معافیت مالیاتی یا بخش‌هایی که دولت برای دریافت مالیات از آنها با مشکل مواجه است.

رابطه‌ی بین نرخ تعرفه‌ی موثر و سهم درآمد مالیاتی در تولید داخلی معنی‌دار و مثبت است. با یک واحد افزایش در نرخ تعرفه، سهم درآمد مالیاتی در تولید داخلی ۱/۹۴ واحد افزایش می‌یابد، در نتیجه افزایش نرخ تعرفه بر کالاهای وارداتی بیشترین تاثیر مثبت را بر درآمد مالیاتی کل خواهد داشت. به عبارتی دیگر، می‌توان گفت که آزادسازی تجاری کاهش شدید درآمد مالیاتی در ایران را در پی خواهد داشت.

۸- جمع بندی و پیشنهادها

در راستای آزادسازی تجاری و جانشین کردن درآمدهای مالیاتی از دست رفته ناشی از آزادسازی، با اجرای سیاست‌هایی، مانند آموزش فعالان در بخش کشاورزی و بالا بردن مقیاس‌های تولید، می‌توان سطح بهره‌وری را در این بخش افزایش داد. تا در نهایت سیاست‌های حمایتی را در این بخش محدود کرد. بر اساس برخی از نتایج این تحقیق، رشد شهرنشینی در ایران همراه با رشد بخش‌های پیشرفته و مدرن بوده است. بر این اساس دولت از بخش‌ها و شرکت‌هایی همانند خودروسازی، که باید بازده و توان رقابت‌پذیری بالایی در مواجهه با شرکت‌های خارجی داشته باشند، با نرخ‌های تعرفه بالای وارداتی حمایت می‌کند. این عامل با عدم کسب درآمدهای مالیاتی داخلی بیشتر برای دولت همراه است. در این حالت دولت باید به تدریج در راستای آزادسازی تجاری و بالا بردن رقابت دست از سیاست‌های حمایتی بردارد، تا بتواند در بلندمدت به درآمدهای مالیاتی باثبات و پایداری دست یابد. از طرفی دیگر، رابطه‌ی نسبت وابستگی، که نشان‌دهنده‌ی ساختار جمعیتی کشور است، با کل درآمد مالیاتی منفی است؛ یعنی برای دستیابی به یک درآمد مالیاتی پایدار و بهینه باید با اجرای سیاست‌هایی، ساختار جمعیت آینده در راستای رسیدن به یک نسبت وابستگی مناسب تغییر یابد. رابطه‌ی نرخ ارز موثر با درآمد مالیات بر تجارت و کل درآمد مالیاتی دولت منفی است؛ یعنی در صورت عدم تمایل دولت به استفاده از نرخ ارز به عنوان یک ابزار برای حمایت از تولید داخلی، می‌تواند با کاهش در نرخ ارز از یک طرف، درآمد مالیات بر تجارت را به دلیل افزایش واردات، افزایش دهد و از طرفی دیگر، با کاهش هزینه‌ی تولید کالاهایی که در آنها از نهاده‌ها، کالاهای و تکنولوژی خارجی استفاده می‌شود، زمینه‌ی ایجاد تولید و اشتغال را در کشور ایجاد کند و در نتیجه درآمد مالیاتی خود را افزایش دهد. اثر تولید ناخالص داخلی بر هر دو نوع مالیات مثبت، ولی غیر قابل توجه است. همان‌طور که ذکر شد، این اثر مثبت ناشی از رشد تولید داخلی در بخش‌های دارای معافیت مالیاتی یا در بخش‌های غیر تولیدی است که دولت برای دریافت مالیات از آنها با مشکل مواجه است؛ یا اینکه ناشی از افزایش درآمدهای نفتی است که منجر به افزایش واردات و در نتیجه افزایش درآمد مالیات بر تجارت شده است. در این راستا به نظر می‌رسد که دولت باید به عنوان سیاست‌گذار، ضمن رسمی کردن بسیاری از فعالیت‌های واسطه‌گری، با وضع مالیات سنگین بر این‌گونه

فعالیت‌ها و همچنین ایجاد زمینه‌ی بهتر فعالیت‌های تولیدی و رسمی در کشور، همراه با افزایش تولید رسمی داخلی، درآمدهای مالیاتی خود را افزایش دهد. آزادسازی تجاری، کاهش قابل توجه درآمد مالیات برتجارت دولت و درآمد کل مالیاتی دولت، به دلیل دولتی بودن قسمت عمده‌ای از صنایع داخلی می‌شود؛ زیرا این صنایع بهره‌وری بسیار کمی دارند و با پایین آمدن تعرفه‌های وارداتی، توان رقابت قیمتی را ندارند و برای صادرات نیز نیاز به حمایت دولت دارند. در این راستا به نظر می‌رسد که گسترش بخش خصوصی باعث افزایش رقابت سالم و بهره‌وری در بخش‌های مختلف تولیدی در ایران شود و در نتیجه با آزادسازی تجاری نیز درآمد مالیاتی دولت، در بلندمدت افزایش یابد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع:

- ابریشمی، حمید، محسن مهرآرا و رضا محسنی. (۱۳۸۵). تاثیر آزادسازی تجاری بر رشد صادرات و واردات. پژوهشنامه بازرگانی، ۴۰: ۱۲۶-۹۵.
- بهکیش، محمد مهدی. (۱۳۸۱). اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن. تهران: نشر نی.
- تشکینی، احمد. (۱۳۸۴). اقتصاد سنجی کاربردی به کمک microfit. چاپ اول. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری دیبا گران تهران.
- گرجی، ابراهیم و معصومه علیپوریان. (۱۳۸۵). تحلیل اثر آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک. پژوهشنامه بازرگانی، ۴۰: ۲۰۳-۱۸۷.
- مالک، محمدرضا. (۱۳۸۲). جهانی شدن اقتصاد (از رویا تا واقعیت). تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

- Agbeyegbe, T.D., Stotsky, J. & A. WoldeMariam. (2006). Trade liberalization, Exchange Rate Changes, and Tax Revenue in Sub-Saharan Africa. *Journal of Asian Economics*, 17: 261-284.
- Dreher, A. (2006). The Influence of Globalization on Taxes and Social Policy: An Empirical Analysis for OECD Countries. *European Journal of Political Economy*, 22: 179-201.
- Farazmand, H. & M. Zarra Nezhad. (2006). Investigating the Quantitative Effect of Trade Liberation on Export Supply of Agriculture Sector. *Quarterly Journal of Economic Review*, 3(1): 1-24.
- Jin, J.C. (2005). Openness, Growth, and Inflation: Evidence from South Korea before the Economic Crisis. *Journal of Asian Economics*, 17: 738-757.
- Keena, M. & J.E. Lightharta. (2002). Coordinating Tariff Reduction and Domestic Tax Reform. *Journal of International Economics*, 489: 56-507.
- Khattry, B. & J.M. Rao. (2003). Fiscal Faux pas?: An Analysis of the Revenue Implication of Trade Liberalization. *World Development*, 70(8): 1431-1444.
- Lucke, B. (2001). Fiscal Impact of Trade Liberalization: The Case of Syria. University of Hamburg von-Melle-Park, Working Paper No. 5, D-20146.
- Mujumdar, S. (2004). Revenue Implications of Trade Liberalization under Imperfect Competition. *Economics Letters*, 82: 83-89.